



Paper type:
Research paper

Abstract

Investigating Intergenerational Differences in Terms of Religiousness and Religious Identity: Veteran Parents and Their Children

■ Somayyeh Gholami¹ ■ Abdolreza Mirani²

● **Objective:** The objective of this study is to find out whether the self-sacrificing veterans as role models have succeeded to institutionalize religiousness and the degree of adherence to it, as one of the important factors in the emergence of the spirit of self-sacrifice in their children, in passing on their values. To answer this question, the present study was conducted to compare the dimensions of religiousness and religious identity of two generations: veteran parents and their children. This study was an applied one in terms of purpose and a descriptive-post-event one in terms of nature and method. The statistical population included all freedmen of imposed war and veterans of Bandar-e Lengeh city and all their male children aged 20 to 30 years from among whom 25 fathers and 25 male children were selected through purposive sampling and were assessed using two religiosity questionnaires: Glock and Stark (1965) and Serajzadeh's religious identity questionnaire (2013). The findings show that the average religious identity of the children in emotional dimension ($M=21.6$) and ritual dimension ($M=21.5$) is higher than their parents' average of the two dimensions: emotional ($M=20.4$) and ritual (20.5); and the parents are higher in the belief dimension ($M=22.2$) than their children ($M=16.5$). In addition, the average scores of young people in the intellectual dimension ($M=16.5$) and consequence of religiousness ($M=19.9$) were higher than their parents in the intellectual dimension ($M=13.1$) and consequence of religiousness ($M=18.4$). The parents are also higher in the belief dimension ($M=20.3$) than their children ($M=16.6$). In general, the parents of the present study do not experience a different intellectual atmosphere with their children.

Keywords: generation, dimensions of religiousness, religious identity, veterans and their children.

■ **Citation:** Gholami, S, Mirani, A .(2022). Investigating Intergenerational Differences in Terms of Religiousness and Religious Identity: Veteran Parents and Their Children *Applied Issues in Islamic Educational*, 7(4): 87-104.

Received: 2022/12/01 **Revised:** 2023/03/01 **Accepted:** 2023/03/13 **Published:** 2023/03/13

1. **Corresponding Author:** Assistant Professor, Department of Psychology, Larestan Higher Education Complex, Fars, Iran.

Email: somayeg@yahoo.com  0000-0003-2528-4743

2. MA in Educational Psychology, Bandar-e Lengeh Branch, Islamic Azad University, Bandar-e Lengeh, Iran.

Email: Reza7948m@gmail  0000-0001-8727-7034





بررسی تفاوت‌های بین نسلی به لحاظ دین‌داری و هویت دینی: والدین جانباز و فرزندان ساکن در شهرستان بندر لنگه

■ سمیه غلامی* ■ عبدالرضا میرانی**

چکیده

- هدف: پژوهش حاضر با هدف مقایسه تفاوت‌های بین نسلی به لحاظ ابعاد دین‌داری و هویت دینی والدین جانباز و فرزندانشان انجام پذیرفت.
- روش: این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش از نوع توصیفی-پس‌رویدادی بوده است. جامعه آماری شامل تمامی ۴۶۰ جانباز ساکن در شهرستان بندر لنگه و تمامی فرزندان پسر ۲۰ تا ۳۰ ساله خانواده‌های آنان بود که از آن بین تعداد ۲۵ نفر از پدران و ۲۵ نفر از فرزندان پسر به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و با دو پرسش‌نامه دین‌داری گلاک و استارک (۱۹۶۵) و همچنین پرسش‌نامه هویت دینی سراج‌زاده (۱۳۸۳) مورد سنجش قرار گرفتند و پس از جمع‌آوری داده‌ها از آزمون تی وابسته استفاده شد.
- یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده آن است که میانگین هویت دینی فرزندان در دو بعد احساسی ($M=21/6$) و مناسکی ($M=21/5$) از میانگین بعد احساسی ($M=20/4$) و مناسکی ($M=20/5$) والدین خود بالاتر و والدین نیز در بعد اعتقادی ($M=22/2$) نسبت به فرزندان ($M=16/5$) در سطحی بالاتر قرار دارند. به علاوه نمرات میانگین جوانان در دو بعد فکری ($M=16/5$) و پیامدی دین‌داری ($M=19/9$) از والدین خود در بعد فکری ($M=13/1$)، و پیامدی ($M=18/4$) برتر و والدین نیز در بعد اعتقادی ($M=20/3$) در مقایسه با فرزندان ($M=16/6$) در سطحی بالاتر قرار دارند.
- نتیجه‌گیری: به‌طور کلی والدین پژوهش حاضر با فرزندانشان فضای فکری متفاوتی که بتوان شکاف نسلی خواند را تجربه نمی‌کنند.

واژگان کلیدی: نسل، ابعاد دین‌داری، هویت دینی، جانبازان و فرزندانشان، شهرستان بندر لنگه

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۰ □ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۱۲/۱۰ □ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۲ □ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۲۲

* نویسنده مسئول: استادیار گروه روانشناسی، مجتمع آموزش عالی لارستان، فارس، لارستان، ایران.

E-mail: somayeg@yahoo.com ID 0000-0003-2528-4743

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد بندر لنگه) هرمزگان، ایران.

E-mail: Reza7948m@gmail.com ID 0000-0001-8727-7034

مقدمه

تفاوت‌های بین نسل‌ها همواره وجود نسبی داشته است اما هم‌زمان با رشد فناوری و ظهور روز افزون تنوعی از رسانه‌ها و سبک‌های زندگی، این پدیده به‌عنوان یک مشکل مورد توجه قرار گرفته است (Aggarwal, Rawat Singh, Singh, Srivastava & Gaub, 2017). با گذر زمان و ورود به قرن ۲۱، کارکرد خانواده به‌عنوان نماینده اصلی در جامعه پذیر کردن و انتقال ارزش‌ها به فرزندان رو به کاستی گذاشته (Maximova & Belyaev, 2017) و تعارض و درگیری بین نسل‌ها افزایش یافته است (Sun, 2016). این در حالی است که بقای هر جامعه در طول زمان مشروط به انتقال قاعده‌مند و بدون انقطاع ارزش‌ها از نسلی به نسل بعد است. در واقع اگرچه مطابق روند بیولوژیکی زیست انسان^۱ همواره اعضای جدید با فرهنگ خاص خود ظاهر شده و افراد قدیمی به تدریج ناپدید می‌شوند (Bristow, 2016) اما تداوم هر جامعه در گرو انتقال فرهنگ است البته تداوم به‌معنای تغییرناپذیری نیست و تداوم با تغییر تضمین می‌شود اما این تغییرات باید به‌گونه‌ای باشد که منجر به ستیز و تعارض دو نسل نشود (نیازی، شاطریان و پاک‌زمان‌قمی، ۱۳۹۵). اگر مناسبات بین نسلی که عملکرد اصلی فرهنگ‌سازی، انتقال ارزش‌های اخلاقی و هویت‌یابی افراد یک جامعه است مختل شود، تضاد و تنازع به وجود خواهد آمد. این تضادهای بین نسلی منجر به وقوع چندگانگی‌های ارزشی، فرسایش فرهنگی، بحران هویت، زوال اخلاقی و بی‌ثباتی نظم اجتماعی^۲ جامعه می‌شود. همه این موارد می‌تواند نابودی یک تمدن را در پی داشته باشد. به این ترتیب، می‌توان از شکاف ارزشی بین نسل‌های مختلف به منزله اصلی‌ترین شکل شکاف نسلی یاد کرد (Maximova, ۲۰۱۴)؛ دانش، ذاکری نصرآبادی و عبداللهی، ۱۳۹۳). از آغاز قرن بیستم، به‌ویژه از اواسط آن و دوره پس از جنگ جهانی دوم، تغییر موقعیت اجتماعی نسل جوان معاصر به شکلی بی‌سابقه است. کاهش روزافزون تأثیر سنت و اقتدار جامعه بزرگسال برافزایش آگاهی و مهارت نسل جوان تر از یک‌سو و توانایی نسل جدید در مواجهه با زندگی مدرن از سویی دیگر، همراه با ناتوانی و عدم مهارت نسل‌های بزرگسال با این پدیده و ناکارآمدی نهادهای سنتی نظیر خانواده، نظام آموزشی و نهادهای فرهنگی دیگر در انطباق خود

1. biological rhythm of human life
2. stability of the social system

با تحولات پرشتاب و پیچیده عصر جدید، از وجوه مهم تغییر موقعیت نسل‌های جوان معاصر به‌شمار می‌روند که خود می‌تواند منجر به مسائل و بحران‌هایی چند شود (Datler, Wolfgang & Peter, 2013).

یکی از مسائل مهم هر جامعه‌ای، کاهش شکاف نسلی است که برنامه‌های متعدد تربیت بین‌نسلی^۱ برای آن طراحی شده است (Huq, Hossain, Abdulla & Yeasmin, 2021). برای نیل به کاهش شکاف‌های نسلی و داشتن اجتماعی صمیمی بر پایه روابط پرمعنا، بدون تعارض و توصیف دقیقی از تفاوت نسل‌ها در ابعاد مختلف لازم است. یکی از ابعاد مهمی که باید مورد مذاقه قرار گیرد، دین‌داری است. دین‌داری و معنویت جزء عوامل اجتماعی و روان‌شناختی مهم در زندگی انسان‌ها هستند (محمدی شوره و فرج‌اللهی، ۱۳۹۶) و به فردی که ارزش‌های دین در وی تجلی یافته باشد، دین‌دار گفته می‌شود (کهنوند، ۱۳۹۹). پژوهشگران ویژگی‌های مرتبط با دین‌داری را حول پنج بعد جمع‌بندی می‌کنند؛ نخست، بعد اعتقادی یا باور دینی است. این بعد شامل باورهایی است که فرد با توجه به دین خاص خود باید به آنها معتقد باشد؛ دومین بعد، بعد مناسکی است که در برگیرنده شعائر و مناسک می‌باشد. سومین بعد، بعد عاطفی یا تجربی است که پیروان هر دینی نسبت به وجودی ربوبی و اقتداری متعالی عواطف و تصوراتی دارند که در این بعد جای می‌گیرد. بعد چهارم، بعد فکری (دانش دینی) نام دارد و شامل اطلاعات و دانسته‌های اساسی در مورد معتقدات هر دین است. بعد پیامدی (آثار دینی) بعد پنجم است. باورهای دینی فرد، اعمال، تجارب و دانش دینی او لاجرم در زندگی روزانه وی اثرگذار است که رفتارهای روزمره وی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. به واقع انعکاس دین در زندگی به این بعد از دین‌داری اشاره دارد (محدثی، ۱۳۹۱).

یکی از آثار نامطلوب «صنعتی شدن» جهان امروزی، تغییر سریع ارزش‌های جامعه و در نتیجه تفاوت در ارزش‌های بین‌نسل‌ها و کاهش ارتباط و همبستگی آنان بوده است. تغییرپذیری نسل قدیم سخت‌تر، اما نسل جدید آسان و سریع‌تر تغییر می‌کند (نوربخش و اویسی فردویی، ۱۳۹۵). در این راستا در پژوهشی عنابستانی و احمدزاده (۱۳۹۲) به بررسی تفاوت‌های بین‌نسلی به لحاظ وضعیت دین‌داری در سکونت‌گاه‌های روستایی پرداختند و دریافتند که میزان اعتقادات دینی شامل اعتقاد به خداوند، نبوت و معاد در

1. intergenerational education

نسل بزرگسال پررنگتر است. همچنین پیامدهای دین‌داری که ناظر به کاربرد دین‌داری در زندگی اجتماعی است؛ شکاف نسلی بیشتر است. همچنین پژوهشگران معتقدند که خانواده و الگوهای تربیتی آنان می‌تواند دین‌داری و رفتاری دینی در فرزندان را پیش‌بینی کند (میرزاپوری، ۱۳۹۴). به عنوان مثال، نوربخش و اویسی فردویی (۱۳۹۵) در پژوهشی نشان دادند که الگوهای تربیتی خانواده با دین‌داری جوانان ارتباط مستقیم و معناداری دارد. از سویی جامعه‌شناسان نیز معتقدند که در مطالعات مربوط به دین‌داری باید توجه خاصی به خانواده‌ها داشت چرا که افراد در این نهاد ضمن حفظ و تداوم نسل، وظیفه تربیت فرزندان و مراقبت و حمایت از بزرگسالان و حفظ میراث فرهنگی و دینی را به عهده دارند (قاسمی و هاشمی، ۱۳۹۸). بنابراین، درحالی که دین یکی از مهم‌ترین نظام‌های ارزشی جامعه است، برای ماندگاری نیاز به بازتولید آن در نسل‌های بعدی وجود دارد و خانواده از طریق مشروع‌سازی، عینیت‌بخشی و نهادمندی ارزش‌ها به باز تولید آن می‌پردازد (میرزاپوری، ۱۳۹۴).

مفهوم دیگر نزدیک به دین‌داری که در کاهش شکاف‌های بین‌نسلی باید مورد مذاقه قرار گیرد، هویت دینی بوده و به معنای مجموعه خصوصیات است که فرد را به واسطه داشتن نوع احساسات و تعلقات مذهبی به شخصی متمایز تبدیل می‌نماید. در واقع منظور از هویت دینی، میزان شناخت عقیدتی فرد از تعلق و ارتباط نسبت به دینی خاص و پیامدهای احساسی مثبتی که فرد از این تعلق و ارتباط تجربه می‌کند و میزان ارزشی که فرد به انجام عملی مناسب فردی و جمعی این دین خاص قائل است، گفته می‌شود (سلیمانی، سرشار و میرمهدی‌پور کوه‌کمر، ۱۳۹۹). هویت دینی یکی از ابعاد مهم هویت اجتماعی است که متضمن سطحی از دین‌داری است که با مای جمعی یا همان اجتماع دینی مقارن است. در واقع هویت دینی نشان‌دهنده احساس تعلق، تعهد به دین و جامعه دینی است (پاکوفته، نصری، نصراللهی و فرخی، ۱۴۰۰). هویت دینی دارای مؤلفه‌هایی است که در قالب دو بخش پیشنهاد شده است: «مؤلفه‌های ذاتی هویت دینی» و «مؤلفه‌های پیامدی هویت دینی». مؤلفه ذاتی هویت دینی بر دو مقوله شناختی (شامل ارزش‌ها، هنجارها، ایمان و اعتقادات) و عاطفی (احساسات، نیازها و تمایلات) استوار است. مؤلفه پیامد دینی نیز شامل دو بخش «اجتماعی» و «فرهنگی» می‌باشد. مؤلفه اجتماعی با مجموعه‌ای از نشانگرهای اجتماعی سر و کار دارد که مرز

میان گروه‌های دینی را تعریف می‌کند. فردی که در یک گروه قرار می‌گیرد با فرد بیرون از گروه تمایز دارد؛ برای مثال فردی که در گروه قرار می‌گیرد ملزم به رعایت معرفت‌هایی از قبیل رعایت امانت‌داری، رعایت حدود شرعی با نامحرم و رعایت اصول شرع در معاملات اقتصادی است. مولفه فرهنگی حاوی مجموعه‌ای از عناصر نمادین است که میراث سنتی خاصی را تشکیل می‌دهد؛ از جمله آیین‌ها (مثلاً مراسم دهه محرم یا عید قربان)، سبک غذاخوردن و هنر که به نوعی با نظام اعتقادی فرد مرتبط هستند (حیدری و رضانی‌باصری، ۱۳۹۴). به‌طور کلی هویت دینی به‌عنوان یک هویت اجتماعی همواره در پژوهش‌ها و نظریه‌های علوم اجتماعی مورد توجه بوده است و در میان اندیشمندان علوم اجتماعی این که هویت دینی نقش پررنگی در زندگی مردم دارد، یک امر پذیرفته‌شده و عمومی است. از سویی یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهند که ساختار حاکم بر خانواده در شکل‌گیری هویت دینی فرزندان شان دخیل است (نوربخش و اویسی فردویی، ۱۳۹۵، حسینی، جمشیدی سلوکلو و مزیدی، ۱۳۹۴، بابایی فرد، ۱۴۰۰). به‌عنوان مثال ربانی و محمدزاده یزد (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان بررسی کیفی شکاف نسلی ارزشی بین مادران و دختران در مشهد با تاکید بر ارزش‌های دینی با این نتیجه رسیده‌اند که مادران در زمینه ارزش‌های دینی بر روی دخترانشان تاثیر بسزایی داشته‌اند و اختلاف بین دختران و مادران در زمینه این ارزش‌ها بر روابط بین آنها تاثیرگذار نیست. در مطالعات نشان داده شده که همسانی عقاید دینی در بین فرزندان با مادران ۴۳ درصد و با پدران ۴۸ درصد بوده و هرچه کیفیت روابط والد فرزند بهتر باشد توافق در مباحث دینی بیشتر و انتقال و آموزش ارزش‌های دینی بهتر انجام می‌شود (Hunsberger, 2017).

به‌طور کلی در جوامع در حال گذار دین‌داری و هویت دینی از متغیرهای اجتماعی هستند که بین دو نسل والدین و فرزندان دست‌خوش تحولات گسترده‌ای می‌شود و جوانان امروزه علاقه کمتری به اموری مانند رفتن به کلیسا و یا تعلق داشتن به مذهب یا عقیده خاصی دارند (Smith, 2005). این بحث تا آنجا پیش می‌رود که اندیشمندان این سؤال را می‌پرسند که کیفیت دین‌داری متفاوت شده است یا بی‌دین‌داری رخ داده است؟ (عیوضی و دشتی، ۱۴۰۰).

دین‌داری در جامعه ایران نیز از این تحول مستثنا نیست. چنین گفته می‌شود که دین‌داری در جامعه کنونی ایران و در میان جوانان با تغییراتی در اندیشه و عملکرد

مواجهه است و تفاوت‌هایی در ابعاد دین‌داری مشاهده می‌شود. وجود این وضعیت نشان می‌دهد که هرچند باورها و عواطف دینی در میان جوانان حاضر و بادوام است اما از سویی دیگر پذیرش و اجرای تمام ابعاد دین‌داری نیز از جانب جوانان مورد تردید است (بهار و رحمانی، ۱۳۹۱). این تردیدها منجر شده است که برخی اندیشمندان از انواع دین‌داری‌ها یاد کنند تا دین‌داری و تنوع دین‌داری را امری مسلم بپندارند (عیوضی و دشتی، ۱۴۰۰؛ شجاعی زند، ۱۳۹۰). نتایج پژوهش کلانتری و کلانتری (۱۳۹۱) حکایت از آن دارد که میزان دین‌داری نسل اول در دو بعد باور دینی و مناسک دینی، به صورت معنی‌داری بیشتر از دو نسل بعدی است. پوریانی و اسلامی طرزجانی (۱۳۹۲) نیز به این نتیجه می‌رسد که نسل امروز و دیروز در باورهای دینی و ارزش‌ها تحولات و تفاوت‌هایی را پشت سر گذاشته‌اند. بنابراین تردیدهایی وجود دارد که آیا نسل‌ها هویت دینی و ابعاد دین‌داری‌های متفاوتی را تجربه می‌کنند یا خیر؟

از بین نسل‌های گذشته جانبازان و ایثارگران دفاع‌کنندگان از کیان جامعه و دارای هویت دینی و ملی مثال‌زدنی هستند. در صورت آسیب‌دیدن فرزندان این قشر جامعه خسارات جبران‌ناپذیری بر فرهنگ و ارزش‌های جامعه وارد می‌شود زیرا همواره و همیشه چه در سطح رسانه‌های جمعی و چه در نظام آموزش رسمی خانواده‌های ایثارگران به‌عنوان گروه‌های مرجع و هنجار معرفی می‌شوند؛ لذا، در صورت امکان باید هویت دینی خانواده‌آزادگان، جانبازان و ایثارگران مطلع شده و در جهت کنترل و حمایت از این قشر و تدوین برنامه‌های تربیت بین نسلی مورد بررسی قرار گیرد (محمدی شوره و فرج‌اللهی، ۱۳۹۶). تحقیقات زیادی در زمینه بررسی و سنجش ارزش‌ها در میان اقشار مختلف جامعه از دانشجو گرفته تا کارمندان دولت و دانش‌آموزان مدارس انجام گرفته است اما تاکنون تحقیق جامعی در این زمینه در میان اقشار جانباز صورت نگرفته است. این تحقیق در صدد است تا به گونه فقدان اطلاعات در این زمینه را جبران نماید.

ضرورت دیگر این مطالعه برخاسته از نفوذ و اعتباری است که هنوز دین برای انسان و جامعه دارد. مطالعه دین‌داری برای جوامعی نظیر کشور ایران که دین در سطوح مختلف آن از نقش و نفوذ مؤثری برخوردار است، ضرورت بیشتری دارد. جوانان بخش عظیمی از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند؛ بنابراین از یک سو تفکرات و نگرش‌های این گروه نمایانگر میزان موفقیت و اثرگذاری نهادهای دینی جامعه هست و از سوی دیگر این

گروه در نهایت امر در رأس قدرت و نهادهای اجرایی قرار خواهند گرفت. بدیهی است که نحوه نگرش آن‌ها می‌تواند به نحوه اداره جامعه در آینده تأثیرگذار باشد. از دیگر عواملی که انجام این پژوهش را ضرورت بخشید فقدان اطلاعات خصوصاً در زمینه ارزش‌های قشر جانبازان و ایثارگران در کشور بود. شهر بندر لنگه به‌عنوان یکی از شهرهای مذهبی ایران اگرچه به لحاظ بافت مذهبی دارای زیرمجموعه اندک متفاوتی از جامعه کلی ایرانی است اما از آثار و تبعات دین و دین‌داری برخوردار است. البته این پیامدها پس از انقلاب اسلامی ایران دو چندان شده است. از این رو مطالعه وضعیت دین‌داری به‌ویژه در میان نسل‌های مختلف در جامعه بندر لنگه امری مهم و شایان توجه است. با توجه به موضوع تفاوت نگرش نسل‌های متعدد در ارتباط با ارزش‌های جامعه، از جمله ارزش‌های دینی و با توجه به آنچه بیان شد این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤالات است که:

۱. آیا فراوانی طبقات دین‌داری والدین و فرزندان جانبازان متفاوت است؟

۲. آیا از نظر ابعاد هویت دینی بین دو نسل والدین و فرزندان خانواده‌های جانباز تفاوت وجود دارد؟

۳. آیا از نظر ابعاد دین‌داری بین دو نسل والدین و فرزندان خانواده‌های جانباز تفاوت وجود دارد

روش

پژوهش حاضر، توصیفی و از نوع پس‌رویدادی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی جانبازان شهرستان بندر لنگه (۳۸۶ نفر) و همچنین تمامی فرزندان پسر ۲۰ تا ۳۰ ساله این خانواده‌ها در سال ۱۴۰۰ بوده است. از آنجا که معمولاً در نوجوانی هویت افراد شکل می‌گیرد و جوانان به نوعی ثبات پیدا می‌کنند، انتخاب افراد نمونه از بعد از دوره نوجوانی و در دوره اول بزرگسالی (۲۰ تا ۳۰ سالگی) انجام شد. از آنجا که در پژوهش‌هایی از نوع علی - مقایسه‌ای، حجم نمونه حداقل ۱۵ نفر در هر گروه توصیه می‌شود و تا ۳۰ نفر مطلوب است (دلاور، ۱۳۹۵)، از جامعه آماری مذکور تعداد ۵۰ نفر (شامل ۲۵ نفر از پدران و ۲۵ نفر از فرزندان پسر) با توجه به ملاک‌های ورود و خروج و با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به تحقیق شامل داشتن فرزند ۲۰ تا ۳۰ ساله پسر، داشتن سواد خواندن و نوشتن، حضور فرزند در بندر لنگه

جهت حضور و رضایت برای شرکت در تحقیق و ملاک خروج شامل خروج شرکت کننده از پژوهش و تکمیل ناقص پرسش نامه‌ها بود. در پژوهش جاری از ابزارهای جاری زیر استفاده شد:

● پرسش نامه دین داری

پرسش نامه دین داری^۱ توسط گلاک و استارک در سال ۱۹۶۵ برای سنجیدن نگرش‌ها، باورهای دینی و دین داری ساخته شده است. این پرسش نامه ۲۶ گویه دارد و برای استاندارد کردن در کشورهای مختلف اروپا، آمریکا، آفریقا و آسیا و بر روی پیروان ادیان مسیحیت، یهودیت و اسلام اجرا گردیده و با دین اسلام هم انطباق یافته است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۴). مقیاس اندازه گیری مورد استفاده در این سنجش، لیکرت هست که هر گویه پنج درجه ارزشی کاملاً موافق، موافق، بینابین، مخالف و کاملاً مخالف را در برمی گیرد و ارزش‌های هر گویه بین ۴-۰ متغیر هست که نمره هر فرد بین ۰ تا ۱۰۴ در نوسان است. در این پرسش نامه گویه‌های ۱ تا ۷ مربوط به بعد اعتقادی، گویه شماره ۸ تا ۱۳ به بعد عاطفی، گویه ۱۴ تا ۱۹ مربوط به بعد مناسکی و گویه‌های ۲۰ الی ۲۶ مربوط به بعد پیامدی می باشد. گویه‌های شماره ۵، ۸، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۶ به صورت معکوس نمره گذاری می شوند. در تعیین میزان دین داری سه طبقه فرض می شود که نمرات ۲۵ درصد بالا و پائین، میزان دین داری قوی و ضعیف را نشان می دهد و ۵۰ درصد نمرات بین دو کرانه نشانگر دین داری متوسط می باشند. لذا نمرات ۲۶-۰ بیانگر دین داری ضعیف، نمرات ۷۸-۲۶ بیانگر دین داری متوسط و اندازه‌های ۱۰۴-۷۸ مبین دین داری بالا می باشند.

نودلن، کلایتون و گلاک اعتبار این پرسش نامه را مطلوب ارزیابی نمودند (Gladden & Clayton, 1974, Nudelman, 1971). در اجرای ایرانی میزان اعتبار این پرسش نامه در مطالعات مختلف بر روی نمونه‌های متفاوت تعیین گردیده که حاکی از اعتبار بالای آن در ابعاد مختلف هست. در آخرین اجرای این آزمون بر روی دانشجویان آلفای کلی پرسش نامه ۰/۸۳ بوده است. پایایی سازه دین داری نیز در مجموع (۰/۹۱) و در ابعاد احساس دینی ۰/۹۲، اعتقاد دینی

1. The five dimensions of religiosity

۰/۹۰، مناسک دینی ۰/۸۴ و پیامد دینی ۰/۷۷ است، که نشان می‌دهد مقیاس طراحی شده از سازگاری درونی قابل قبولی برخوردار است (جمشیدی سولکلو، عرب‌مقدم و درخواه، ۱۳۹۳). ضریب آلفای کرونباخ برای نمره کل در پژوهش حاضر، ۰/۸۹ به دست آورده شد.

● پرسش‌نامه هویت دینی

در این مطالعه برای اندازه‌گیری هویت دینی از پرسش‌نامه هویت دینی سراج‌زاده و پویافر (۱۳۸۶) استفاده شد. سراج‌زاده (۱۳۸۳) هویت دینی را برمبنای دسته‌بندی سه‌بعدی احساسی، اعتقادی و عملی مدنظر قرار داده است. بعد احساسی ناظر بر عواطف، تصورات و احساسات مربوط به داشتن رابطه با جوهری ربوبی همچون خداست. بعد اعتقادی هویت دینی ناظر بر باورهایی که انتظار می‌رود پیروان یک دین به آن‌ها اعتقاد داشته باشند، مانند اعتقاد به خدا، فرشتگان، روز قیامت و وجود شیطان است. بعد عملی هویت دینی ناظر بر اعمال دینی مشخص همچون عبادت، نماز، شرکت در آیین‌های دینی خاص، روزه گرفتن است که انتظار می‌رود پیروان هر دین انجام دهند (سراج‌زاده و پویافر، ۱۳۸۶). سوالات این پرسش‌نامه در مقیاس لیکرتی در امتداد طیف از کاملاً موافق (نمره ۵)، موافق (نمره ۴)، بی‌نظر (نمره ۳)، مخالف (نمره ۲) و کاملاً مخالف (نمره ۱) نمره‌گذاری شده است که با جمع گویه‌ها در سطح سنجش فاصله‌ای نمره هویت دینی تعیین شد. پایایی این ابزار از طریق آزمون آلفای کرونباخ انجام شده که ضریب آلفای کرونباخ برای ابعاد سه‌گانه هویت دینی بعد عملی (۰/۸۶)، بعد اعتقادی (۰/۸۹)، بعد احساسی (۰/۹۱) به دست آمده است. روایی پرسش‌نامه از طریق روش تحلیل عاملی تأییدی محاسبه شده است که نتایج نشانگر برازش نسبتاً مناسب الگو هست. آزمون KMO برای سازه هویت دینی (۰/۹۵۴) بیانگر کفایت نمونه‌گیری بوده و معناداری آزمون بارلت نشان می‌دهد بین متغیرها همبستگی وجود دارد. ضریب آلفای کرونباخ برای نمره کل در پژوهش حاضر، ۰/۹ به دست آورده شد. در ادامه گزارش یافته‌ها ارائه شده است. جهت تجزیه و تحلیل یافته‌ها، از آمار توصیفی و آزمون تی وابسته با استفاده از نرم‌افزار SPSS 22 استفاده شد.

یافته‌ها

آمار توصیفی شرکت‌کنندگان نشان داد اکثریت والدین (۴۴/۴ درصد) از نظر وضعیت شغلی، بیکار بوده‌اند و ۳۸/۹ درصد از والدین جانباز، بازنشسته و ۱۶/۷ درصد والدین شاغل بودند. به لحاظ تحصیلات، ۵/۶ درصد از والدین بی‌سواد، ۳۸/۸ درصد از والدین دارای تحصیلات ابتدایی، ۵/۶ درصد از والدین دارای تحصیلات سیکل و در نهایت ۵۰ درصد والدین دارای تحصیلات دیپلم بودند. در ادامه به بررسی سؤالات پژوهش پرداخته می‌شود.

سؤال اول پژوهش: آیا فراوانی طبقات دین‌داری والدین و فرزندان جانبازان متفاوت است؟ طبق دستورالعمل پرسش‌نامه، در تعیین میزان دین‌داری سه طبقه فرض می‌شود که نمرات ۲۵ درصد بالا و پائین، میزان دین‌داری قوی و ضعیف را نشان می‌دهد و ۵۰ درصد نمرات بین دو کرانه نشانگر دین‌داری متوسط می‌باشند. لذا نمرات ۲۶-۰ بیانگر دین‌داری ضعیف، نمرات ۲۶-۷۸ بیانگر دین‌داری متوسط و اندازه‌های ۱۰۴-۷۸ مبین دین‌داری بالا می‌باشند.

جدول شماره ۱. نتیجه آزمون خی دو
برای بررسی تفاوت فراوانی طبقات دین‌داری والدین و فرزندان

P	میزان خی دو	گروه		طبقات	متغیر
		فرزندان	والدین		
۰/۲	۱/۲۸	۰	۰	ضعیف	دین‌داری
		۷۳/۷	۸۲/۵	متوسط	
		۲۶/۳	۱۷/۵	بالا	

یافته‌ها نشان داد که ۸۲/۵ درصد از والدین و ۷۳/۷ درصد از فرزندان دین‌داری متوسطی داشتند و ۱۷/۵ از والدین و ۲۶/۳ درصد از فرزندان دین‌داری بالایی داشتند. هیچ‌یک از والدین و فرزندان در گروه دین‌داری ضعیف جای نگرفتند. به‌منظور آزمون تفاوت فراوانی طبقات از آزمون خی دو استفاده شد. میزان خی دو به‌دست‌آمده حاصل از مقایسه فراوانی دو گروه در سه طبقه دین‌داری برابر با ۱/۲۸ بود که به لحاظ آماری معنادار ($P \geq 0/2$) نیست (جدول شماره ۱).

سؤال دوم پژوهش: در ادامه به بررسی سؤال دوم پژوهش پرداخته شد. اینکه آیا از نظر ابعاد هویت دینی بین دو نسل والدین و فرزندان خانواده‌های جانباز تفاوت وجود دارد؟ در ابتدا نرمال بودن توزیع نمرات متغیرهای وابسته توسط آزمون کولموگروف-اسمیرنوف مورد بررسی قرار گرفت. مقدار محاسبه شده برای آماره کولموگروف-اسمیرنوف برای متغیر دین‌داری ۰/۱۰ و برای هویت دینی ۰/۲۴ هست که Value-P محاسبه شده توسط نرم‌افزار SPSS برای آن ۰/۲ هست که بزرگ‌تر از ۰/۰۵ بوده و لذا می‌توان گفت متغیرها از توزیع نرمالی برخوردار می‌باشند. بر همین اساس استفاده از آزمون پارامتریک بلا مانع بود. برای مقایسه ابعاد هویت دینی والدین و فرزندان نشان از آزمون تی وابسته استفاده شد که نتایج در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول شماره ۲. مقایسه هویت دینی والدین و فرزندان

ابعاد هویت دینی	گروه	میانگین	انحراف معیار	مقدار تی	سطح معنی داری
بعد احساسی	والدین	۲۰/۴	۱/۲	۴/۵	۰/۰۰۰۱
	فرزندان	۲۱/۶	۲/۰۲		
بعد اعتقادی	والدین	۲۲/۲	۲/۳	۵/۷	۰/۰۰۰۱
	فرزندان	۱۶/۵	۴/۳		
بعد عملی	والدین	۲۰/۵	۱/۶	۲/۵	۰/۰۱
	فرزندان	۲۱/۵	۲/۴		

همان‌گونه که در جدول شماره ۲ نشان داده شده است، در مقایسه ابعاد هویت دینی والدین و فرزندان مشخص گردید که از میان ابعاد چهارگانه هویت دینی ابعاد احساسی ($P \leq 0/0001, t = 4/5$) و مناسکی ($P \leq 0/01, t = 2/5$) فرزندان به‌طور معناداری بالاتر از والدین است. بعد اعتقادی والدین بیشتر از فرزندان هست ($P \leq 0/0001, t = 5/7$).

سؤال سوم پژوهش: سومین سؤالی که پژوهش حاضر کوشید به آن پاسخ دهد این بود که آیا از نظر ابعاد دین‌داری بین دو نسل والدین و فرزندان خانواده‌های جانباز تفاوت وجود دارد؟ برای مقایسه ابعاد دین‌داری نیز از آزمون تی وابسته استفاده شد که نتایج در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول شماره ۳: مقایسه دین‌داری والدین و فرزندان

سطح معنی‌داری	مقدار تی	انحراف معیار	میانگین	ابعاد دین‌داری	
۰/۰۰۰۱	۱۰	۲/۹	۲۰/۳	والدین	بعد اعتقادی
		۲/۲	۱۶/۶	فرزندان	
۰/۰۰۰۱	۶	۲/۷	۱۳/۱	والدین	بعد فکری
		۴/۳	۱۶/۵	فرزندان	
۰/۴	۰/۸	۵/۲	۲۰/۳	والدین	بعد مناسکی
		۳/۳	۱۹/۸	فرزندان	
۰/۰۰۰۱	۴/۳	۱/۹	۱۸/۴	والدین	بعد پیامدی
		۲/۹	۱۹/۹	فرزندان	
۰/۵۲	۰/۶	۸/۲	۷۲/۲	والدین	دین‌داری کل
		۱۰/۷	۷۳	فرزندان	

همان‌گونه که در جدول شماره ۳ نشان داده شده است در ابعاد دین‌داری بعد فکری ($P \leq 0/0001, t = 4/3$) و پیامدی ($P \leq 0/0001, t = 4/3$) فرزندانش بالاتر از والدین است. بعد مناسک ($P \geq 0/4, t = 0/8$) و دین‌داری کلی ($P \leq 0/05, t = 0/6$) تفاوت معناداری وجود ندارد. بعد اعتقادی والدین ($P = 0/001, t = 10$) نیز به‌طور معناداری بالاتر از فرزندانش است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر مقایسه ابعاد دین‌داری و هویت دینی دو نسل، والدین و فرزندان است. ابتدا پژوهش به این سؤال پاسخ داد که آیا فراوانی طبقات دین‌داری والدین و فرزندان جانبازان متفاوت است؟ نتایج حاصل از پژوهش گویای آن است که والدین و فرزندان در گروه دارای سطح دین‌داری و هویت دینی متوسط و بالا قرار می‌گیرند و هیچ‌کدام از افراد دو گروه در دسته ضعیف جای نمی‌گیرند. در واقع بین این دو نسل گسستی به‌لحاظ سطوح دین‌داری اتفاق نیفتاده است. این یافته همسو با تحقیقات میرزاپوری (۱۳۹۴)، نوربخش و اویسی فردویی (۱۳۹۵) و قاسمی و هاشمی (۱۳۹۸)

مبنی بر موفق شدن انتقال ارزش‌های والدین به فرزندان است.

سؤال دوم پژوهش نیز به بررسی ابعاد هویت دینی بین دو نسل والدین و فرزندان خانواده‌های جانباز پرداخت. بین دو گروه از والدین و فرزندان خانواده‌های جانباز، به لحاظ هویت دینی تفاوت معنادار نیست. هرچند در مؤلفه‌های این متغیرها تفاوت معنادار وجود دارد. در متغیر دین‌داری، نمره ابعاد فکری و پیامدی در بین فرزندان و نمره بعد اعتقادی در بین والدین به‌طور معناداری بالاتر از گروه دیگر بوده است. در متغیر هویت دینی هم والدین در بعد اعتقادی به‌طور معناداری بالاتر، فرزندان هم در بعد عملی و احساسی بالاتر از والدین خود بودند. این نتیجه همسو با نتیجه پژوهش قاسمی و هاشمی (۱۳۹۸)، محمدی شوره و فرج‌اللهی (۱۳۸۹) و صبوری خسروشاهی و توکلی‌نیا (۱۳۹۱) است. در توضیح این یافته می‌توان به عقاید Margaret Mead رجوع کرد. وی شکاف نسلی را نتیجه تحولات عمیق در جامعه می‌داند. تحولات عمیق مسیر رشد افراد را تغییر داده و بر رفتار آن‌ها اثر می‌گذارد. به عقیده او در جوامعی که دگرگونی کند است فرزندان به‌راحتی ارزش‌های والدین را می‌پذیرند (Margaret Mead, 1985) به نقل از سرود، (۱۳۹۳). شهرستان بندر لنگه که محل تحقیق کنونی بوده است ساختار سنتی خود را حفظ نموده است و از وجود مراکز خرید گوناگون و به روز و ... خبری نیست. بنابراین روند دگرگونی در پوشش و اعتقادات کند است. علاوه بر این وجود پایگاه‌های نظامی استراتژیک به دلیل جغرافیای سیاسی این شهرستان باعث وجود تعدد شهرک‌های سپاهی و نظامی شده است که برگزاری مراسم‌های مذهبی مانند سخنرانی‌ها و محافل معنوی، استانداردهای پوشش و اعتقادی این افراد و حضورشان در شهرستان جلوه خاص مذهبی به شهر داده است.

از دیگر نتایج قابل توجه جلو افتادن فرزندان در برخی ابعاد دین‌داری از والدین خود بود. در تبیین این یافته می‌توان به مفهوم طلایه‌داران^۱ اشاره کرد. گروهی که خود پیشگام جریان تغییر فرهنگی می‌شوند. نسل جوان تحت تأثیر نگرش‌های این گروه پیشرو قرار می‌گیرد. بدین ترتیب بچه‌های والدین طلایه‌دار عامل تغییر اجتماعی می‌شوند. هم به این دلیل که ارزش‌هایشان مشابه والدین است و هم گاهی ارزش‌هایشان افراطی‌تر از والدین می‌شود. در همین راستا به عقیده Mannheim طلایه‌داران ایدئولوژی‌های خود

را بر پایه فرایند جامعه‌پذیری به نسل جدید منتقل می‌کنند و موجب تفاوت فرزندشان با بقیه جامعه جوانان می‌گردند (Mannheim, 1952). ایشارگران که بلافاصله بعد از انقلاب حاضر به شرکت در جنگ شده‌اند، می‌توانند به‌عنوان گروه طلایه‌داران در نظر گرفته شوند که ایدئولوژی‌های دینی خاصی مبنی بر شهادت و مکتبی بودن دارند و عقیده مانهایم می‌تواند این نتایج را تبیین کند که فرزندان این گروه پیشگام در فرایند جامعه‌پذیری در برخی جنبه‌ها از والدین خود پیشی گرفته‌اند. همچنین در ارتباط با بالاتر بودن بعد تجربی در میان جوانان در مقایسه با والدین می‌توان بیان داشت که این بعد ناظر بر عواطف، تصورات و احساسات مربوط به داشتن رابطه با جوهری ربوی همچون خداوند هست. از آنجا که احساس و عاطفه در جوانان به نسبت والدین غلبه دارد، بالاتر بودن این بعد در جوانان به نظر امری طبیعی می‌آید. در راستای همین تبیین بالاتر بودن بعد احساسی هویت دینی در جوانان در مقایسه با والدین باید به این نکته نیز اشاره نمود که در عرصه خصوصی و فردی همچنان که برگر بیان می‌کند دین حضور پررنگی دارد و نمی‌توان گفت سکولاریسم در بین جوانان اتفاق افتاده و یا در حال اتفاق افتادن است. برگر بر آن است که جهان معاصر جهانی سکولار نیست بلکه آکنده از احساسات مذهبی است. علت آن این است که جوان‌ها عدم قطعیت در زندگی برایشان غیرقابل تحمل هست و به احساسات معنوی روی می‌آورند (پاکوفته و همکاران، ۱۴۰۰)

سؤال آخر پژوهش به بررسی ابعاد دین‌داری بین دو نسل والدین و فرزندان خانواده‌های جانباز پرداخت. نتایج نشان داد که بین دو گروه از والدین و فرزندان خانواده‌های جانباز، به لحاظ نمره کلی دین‌داری تفاوت معنادار نیست. این نتیجه همخوان با یافته‌های بابایی‌فرد (۱۴۰۰)، حسینی و همکاران (۱۳۹۳) مبنی بر تأثیر عامل خانواده در دین‌داری است. از دیگر یافته‌های همسو با هماهنگی دین‌داری در دو نسل، قاسمی و هاشمی (۱۳۹۸) کمترین تفاوت بین دو نسل را مربوط به جنبه‌های اعتقادی و باورهای دینی گزارش کرده‌اند. همخوانی ارزش‌ها و نگرش‌های والدین ایثارگر و فرزندان‌شان در پژوهش محمدی شوره و فرج‌اللهی (۱۳۸۹) نیز تأیید شده است. همچنین صبوری خسرو شاهی و توکلی‌نیا (۱۳۹۱) نشان دادند که میان والدین و فرزندان چندان شکافی نیست. به اذعان این پژوهشگران در واقع میان والدین و فرزندان اتفاق نظر وجود دارد لیکن در برخی از حوزه‌ها این اجماع نظرات کمتر است. برای مثال، در زمینه نماز خواندن و روزه گرفتن

اتفاق نظر وجود دارد و در مورد رابطه با جنس مخالف عقاید متفاوت است. از دیگر یافته‌های قابل توجه، بعد مناسک که حضور در مساجد و تکایا برای جشن‌ها و عزاداری‌ها و همکاری با مؤسسات مذهبی را می‌سنجد نیز در جوانان پژوهش حاضر بیشتر است. این یافته دور از انتظار نیست. وجود هیئت‌های عزاداری جوان با سبک‌های خاص مداحی که مراسم‌های هفتگی در مساجد دارند، در سال‌های اخیر باعث جذب برخی از جوانان شده است که هم بعد احساس و شور در جوانان را بالا می‌برد و به دلیل مراسم‌های مذهبی و اردوهای زیارتی بعد مناسک در پرسش‌نامه‌ها بالاتر رفته است. علاوه بر این افت بدنی و جانبازی به دلیل مشکلات جسمی و همچنین مشغله‌های کاری بیشتر نسبت به جوانان حضور در مناسک مذهبی را برای والدین دشوار می‌سازد. در تبیین بالاتر بودن بعد پیامدی (در متغیر دین‌داری) در جوانان باید ادعان داشت که پیامدی یا آثار دینی ناظر به اثرات باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی روزمره پیروان است (سراج‌زاده و پویافر ۱۳۸۶). گویه‌های پرسش‌نامه مبنی بر پرداخت مالیات، اعتقاد به مذهبی بودن رهبران و منع خرید و فروش مشروبات الکلی است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که وجود احساسات بیشتر منتج به پیامدهای بیشتر در این گروه شده است. از دلایل دیگر این نتیجه می‌توان به مسئله آرمان‌خواهی در جوانان اشاره کرد. روحیه آرمان‌خواهی و اعتقاد به پیاده شدن باورها در جامعه در جوانان همیشه نکته‌ای است که مورد توجه رهبران گروه‌ها بوده است و از آنها برای تحقق اهدافشان سود می‌برند.

همچنین از جمله تفاسیری که می‌توان در باب بالاتر بودن نمره بعد اعتقادی والدین هم در متغیر دین‌داری و هم در متغیر هویت دینی عنوان نمود، تفاوت در جامعه‌پذیری و میزان مذهبی بودن نسل‌هاست که موجب ایجاد چنین تفاوتی در باورهای دینی شده است. از آنجاکه نسل بزرگ‌سال به لحاظ دین‌داری در وضعیتی کاملاً سنتی و مذهبی جامعه‌پذیر شده است، انتظار بیشتری می‌رود که به لحاظ اعتقادی از جوانان قوی‌تر باشند. به علاوه وجود رسانه‌های متعدد که دائم اعتقادات را به چالش بکشد در نسل بزرگ‌سال به دلیل دسترسی کمتر به شبکه‌های مجازی کمتر رخ می‌دهد که باعث اعتقادات راسخ‌تر آنها می‌شود. از طرفی جامعه همگن گذشته تغییر کرده است و تحولات جامعه را به سمت ناهمگونی برده است. شاید بتوان گفت این ناهمگونی و تعدد

و تکاثر افکار و تبلیغ ارزش‌ها سبب شده است نسل جدید به خود کاوشگری و پردازش و ارزیابی اطلاعات بپردازد و سپس اطلاعات مناسب را انتخاب کند، در واقع فضای جامعه حاضر نسل جدید را به استفاده از سبک هویت اطلاعاتی افراد رهنمون کرده است این در حالی است که نسل والدین در جامعه گذشته کمتر از این سبک اطلاعاتی استفاده می‌کنند و به صورت هنجاری اعتقادات خود را کسب می‌نمودند. در مجموع با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان چنین نتیجه گرفت که دین‌داری سنتی که متضمن پای‌بندی افراد به تمام ابعاد دین‌داری است، در بین هر دو نسل و به ویژه نسل جوان رو به سستی است و با توجه به شرایط ایجادشده، پای‌بندی به برخی از ابعاد دین‌داری زیاد و به برخی دیگر کم هست.

این مطالعه به صورت مقطعی انجام شده است و پیشنهاد می‌شود که مطالعه‌ای طولی در تحقیقات آتی انجام شود و سیر تحول ابعاد دین‌داری در سنین مختلف را بررسی نماید. به علاوه از آنجا که والدین پژوهش حاضر موفق به انتقال فرهنگی به فرزندان خود شده‌اند که لازمه یک تعامل صمیمانه است، انجام مصاحبه عمیق برای فهم چگونگی روابط می‌تواند الگوی مناسبی را برای سبک والدگری فراهم سازد. در آخر شایان ذکر است از آنجا که پژوهش حاضر تنها در میان خانواده‌های جانباز و فرزندان پسر آنان در شهرستان بندر لنگه انجام شده است؛ لذا در تعمیم‌دهی آن به سایر نمونه‌ها باید احتیاط لازم انجام شود. همچنین از آنجا که ابزار پژوهش پرسش‌نامه خود گزارش‌دهی بوده است، این محدودیت نیز باید مورد مذاقه قرار گیرد.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله از تمامی جانبازان شرکت‌کننده در پژوهش حاضر و فرزندان آنان که در انجام این پژوهش به ما یاری رساندند صمیمانه تشکر می‌گردد.

- بابایی فرد، اسداله. (۱۴۰۰). عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر پای‌بندی به سبک زندگی اسلامی در میان دانشجویان دانشگاه کاشان. *اسلام و علوم اجتماعی*، ۱۳(۲۶): ۲۸۷-۲۵۷.
- بهار، مه‌ری و رحمانی، سحر. (۱۳۹۱). بررسی شکاف نسلی به لحاظ وضعیت دینداری دو نسل دهه ۵۰ و ۷۰ (با تأکید به بعد مناسکی). *فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، ۳(۶): ۳۶-۹.
- پاکوفته، نسرين؛ نصری، صادق؛ نصرالهی، بی‌تا؛ فرخی، نورعلی. (۱۴۰۰). بررسی روابط والد فرزندی با هویت دینی در دانشجویان: نقش تعدیل‌کننده جنسیت. *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۶(۱): ۵۲-۳۱.
- پوریانی، محمد حسین و اسلامی طرزجانی، علی محمد. (۱۳۹۲). مطالعه مقایسه‌ای تحولات ارزش‌ها و باورهای دینی بین نسل امروز و گذشته (جوانان و والدین آنها در شهرستان یزد). *مطالعات علوم اجتماعی ایران*، ۱۰(۳۸): ۷۲-۹۹.
- حسینی، فریده سادات؛ جمشیدی سلوکو، بهنام و مزیدی، محمد. (۱۳۹۴). پیش‌بینی میزان دین‌داری نوجوانان بر اساس دین‌داری والدین و الگوهای ارتباطی خانواده. *فصلنامه شخصیت و تفاوت‌های فردی*، ۴(۸): ۱۰۱-۱۲۴.
- حیدری، آرمان؛ رضانی باصری، عباس. (۱۳۹۴). بررسی رابطه استفاده از اینترنت، برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای و هویت دینی دانش‌آموزان. *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۱۱(۱): ۶۰-۳۹.
- جمشیدی سلولکو، بهنام؛ عرب مقدم، نرگس و درخواه، فریده. (۱۳۹۳). رابطه دین‌داری و تاب‌آوری در دانش‌آموزان راهنمایی و دبیرستان شهر شیراز. *اندیشه نوین تربیتی*، ۱۰(۱): ۱۶۱-۱۴۱.
- دانش، پروانه؛ ذاکری نصرآبادی، زهرا و عبداللهی، عظیمه سادات. (۱۳۹۳). تحلیل جامعه‌شناختی شکاف نسلی در ایران. *جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ۵(۳): ۳۰-۱.
- دلاور، علی. (۱۳۹۵). کتاب روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی. تهران: نشر ویرایش.
- ربانی، علی و محمدزاده یزد، عاطفه. (۱۳۹۱). بررسی کیفی شکاف نسلی بین مادران و دختران در مشهد با تأکید بر ارزش‌های دینی. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۳(۱): ۸۸-۶۵.
- سراجزاده، سیدحسین و پویافر، محمدرضا. (۱۳۸۶). مقایسه تجربی سنج‌های دین‌داری دلالت‌های روش‌شناسانه کاربرد سه سنج در یک جمعیت. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۸(۴): ۷۰-۳۷.
- سرود، مریم. (۱۳۹۳). مردم‌شناختی شکاف نسل‌ها با رویکرد نظریه مارگارت مید. تهران: آپار.
- سلیمانی، اسماعیل؛ سرشار، مهدیه؛ میرمهدی پورکوه کمر، سیدجواد. (۱۳۹۹). بررسی مدل روابط ساختاری بین هویت دینی و سرمایه اجتماعی با کیفیت زندگی: با آزمون نقش واسطه‌ای تمایز‌یافتگی خود در دانشجویان دانشگاه ارومیه. *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۵(۳): ۸۲-۶۱.
- شجاعی‌زند، علیرضا. (۱۳۹۰). مبنای ساخت مدل برای سنجش دین‌داری. *مجله روش‌شناسی علوم اجتماعی*، ۱۷(۶۸): ۱۶۷-۱۴۵.
- صبوری خسرو شاهی، حبیب و توکل‌نیا، نفیسه. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر رسانه ملی در ایجاد شکاف نسلی. *مطالعات رسانه‌ای*، ۷(۱۹): ۱۱۹-۱۱۰.
- عنابستانی، علی‌اکبر و احمدزاده، سحر. (۱۳۹۲). بررسی تفاوت‌های بین نسلی به لحاظ وضعیت دین‌داری در سکونت‌گاه‌های روستایی. *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۶(۱): ۱۲۰-۱۰۵.
- عیوضی، یاور و دشتی، محمدتقی. (۱۴۰۰). بررسی چرایی تنوع‌ها یا بی‌دین‌داری در جامعه ایرانی. *دو فصلنامه مطالعات فرهنگی-اجتماعی حوزه*، ۵(۱۰): ۴۶-۲۷.
- کلانتری، میترا و کلانتری، عبادالحسین. (۱۳۹۱). دین‌داری در نسل‌های مختلف (مطالعه موردی شهرستان ساری). *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی*، ۱(۲): ۲۰۰-۱۷۳.
- کهوند، محمد. (۱۳۹۹). تأثیر فناوری بر دین‌داری و فرهنگ. *ره‌آورد نور*، ۷۲(۱۹): ۷۷-۷۰.
- قاسمی، حمیده؛ هاشمی، اسماعیل. (۱۳۹۸). الگوی ساختاری روابط بین ادراک از دین‌داری والدین و دین‌داری فرزندان با توجه به نقش میانجی‌گر سبک دلبستگی، ویژگی‌های شخصیتی و سبک فرزندپروری. *مطالعات اسلامی زنان و خانواده*، ۱۱(۶): ۲۴-۷.

- محدثی، حسن. (۱۳۹۱). امتناع اندازه گیری دین‌داری و امکان رتبه بندی نوع دین‌داری. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ۱۷(۱): ۱۶۵-۱۳۶.
- محمدی شوره، طیبه و فرج‌اللهی، مهرا. (۱۳۹۶). بررسی نقش روش الگویی کارگزاران نظام آموزشی در پیش بینی دین‌داری دانش‌آموزان دختر شهر تهران. *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲(۳): ۱۶۰-۱۳۷.
- میرزاپوری، جابر. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی والدین بر دین‌داری فرزندان. *معرفت فرهنگی اجتماعی*، ۲۲(۶): ۹۹-۱۱۳.
- نوربخش، یونس؛ اویسی فردویی، قاسم. (۱۳۹۵). دین‌داری و الگوی تربیتی خانواده (بررسی تأثیرات خانواده بر رفتار دینی نوجوانان در شهر تهران). *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۷(۱): ۲۸۳-۳۱۴.
- نیازی، محسن؛ شاطریان، محسن؛ پاک‌زمان‌قمی، محمدمین. (۱۳۹۵). دین و خانواده؛ بررسی تفاوت نسلی در دین‌داری در بین خانواده‌های روحانی و غیرروحانی شهر قم. *معرفت فرهنگی اجتماعی*، ۲۹(۸): ۶۶-۷۴.

REFERENCES

- Aggarwal, M., Singh Rawat, M., Singh, S., Srivastava, S., Gauba, P. (2017). Generation Gap :An Emerging Issue of Society. *International Journal of Engineering Technology Science and Research*, 4 (9): 973-983.
- Bristow, J. (2016). *The sociology of generations: new directions and challenges*. Palgrave Macmillan. London (UK).
- Clayton, R. R., Gladden, J. W. (1974). The Five Dimensions of Religiosity: Toward Demythologizing a Sacred Artifact. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 13(2):135-143.
- Datler, G., Wolfgang, J., & Peter, S. (2013). Two Theories on the Test Bench: Internal and External Validity of the Theories of Ronald Inglehart and Shalom Schwartz. *Social Science Research*, 42 (30), 906-925.
- Hunsberger, B. (2017). Parent university student agreement on religious and nonreligious issues. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 24, 314-320. <https://doi.org/10.2307/1385820>
- Huq, M. N., Hossain, M., Abdulla, F., & Yeasmin, S. (2021). Intergenerational educational mobility in Bangladesh. *PLoS one*, 16(7), e0255426. <https://doi.org/10.1016/j.eurocorev.2019.04.003>
- Mannheim, K. (1952). *The Problem of Generations*. In P. Kecskemeti (Ed.), *Essays on the Sociology of Knowledge* (pp. 276-320). London: Routledge and Kegan Paul.
- Maximova, O. A. (2014). Self-identification and collective memory of generations of contemporary Russian society. *Scientific Records of Kazan University, Series: Humanities*, 156 (6): 246-252.
- Maximova, O. A., & Belyaev, V. A. (2017). Generational indigenation in a multi-ethnic and multi-religious society (Tatarstan, Russia). *Opción: Revista de Ciencias Humanas y Sociales*, (84), 38- 64.
- Nudelman, A. E. (1971). Dimensions of Religiosity: A Factor-Analytic View of Protestants, Catholics and Christian Scientists. *Review of Religious Research*, 13(1):42-56.
- Smith, C. (2005). *Soul Searching: The Religious and Spiritual Lives of American Teenagers*. New York: Oxford University Press.
- Sun, R. (2016). Intergenerational age gaps and a family member's well-being: a family systems approach. *Journal of Intergenerational Relationships*, 14(4): 320-337. <https://doi.org/10.1080/15350770.2016.1229552>